

بازگونی مفهوم یک نماد (بررسی کهن‌الگوی مار در ایران و سرزمین‌های همجوار)

صدرالدین طاهری*

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۰/۲۳، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۳/۳۱)

چکیده

این نوشتار تلاش دارد با نگاهی بر اساطیر و باورها و نیز نقش‌مایه‌های به‌جای مانده بر روی آثار هنری، بازنمایی کهن‌الگوی مار را در هنر ایران و سرزمین‌های همجوارش (میان‌رودان، مصر، هند و یونان باستان) از آغاز تا هزاره نخست پ.م پیگیری کند و در این راه با پژوهشی تطبیقی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و موزه‌ای، به پی‌جویی ارتباط میان این فرهنگ‌ها بپردازد. به نظر می‌رسد مفهوم بن‌مایه مار در این سرزمین‌ها طی چند هزار سال دگرگون و حتی بازگونه شده است. از این رو بررسی این انگاره، برای آگاهی از چگونگی تغییر رویکرد انسان به نمادهايش در گذر زمان ضروری به نظر می‌رسد. مار که در هنر پیشاتاریخی این سرزمین‌ها نقشی ایزدی، بارورکننده، شگون‌مند و حفاظت‌گر دارد و نگاهبان آب‌ها و دارایی‌ها است، در اندیشه مردمان هزاره نخست پ.م و پس از رواج ادیان تاریخی سامی و آریایی به تدریج به نیروی اهریمنی تباه‌کننده می‌پیوندد. نگارنده با کاوش در اسناد تاریخی، این جایگزینی را به سبب تبدیل ساختار مادرمرکز به پدرمرکز در جامعه ساکن در این سامان می‌داند. برای یافتن مفاهیم پنهان در پس کهن‌الگوی مار به نقش این جانور بر روی آثار بازمانده از خاور کهن پرداخته و سپس به یاری نوشتارها و اساطیر، معنای این بن‌مایه بازخوانی می‌شود.

واژه‌های کلیدی

مار، ناگا، اژی، واجت، مدوسا.

مقدمه

گاهی نیز مار به سان نگهبان به دور درخت مقدس یا گرد عصای خدایان پیچیده است. بررسی تطبیقی نقش مار و نزدیکی آن با خدای بانوان باروری می تواند راهکاری برای یافتن ارتباطات کهن میان این تمدن های باستانی باشد و تاثیراتی که بر مذهب و باورهای یکدیگر نهاده اند. پی جویی تغییرات بنیادینی که طی هزاره ها در فهم این کهن الگو رخ داده نشانی است بر پایدار نبودن نمادها و امکان دگرگونه شدن معانی آنها.

مار در تمدن های پیش از تاریخ با باروری هم بسته بوده است. پیکره بسیاری از ایزدبانوان برکت خیزی، با ماری پیچیده به دور بدن یا در دستان آنها ساخته شده و تصویر این نماد بر صخره ها، دروازه ها و ظرف ها، نشان از جایگاه ویژه مار در اندیشه مردمان خاور باستان دارد. پوست اندازی سالانه مار برای مردمان جهان باستان، نشان بی مرگی این موجود بوده و در بسیاری از فرهنگ ها، مار را هم بسته با داروها و درمان می دانسته اند.

۱. مار در اندیشه و هنر میان رودانی

پیموده به خواب می رود، مار از راه می رسد و گیاه را می بلعد. بنابراین زندگی جاوید نصیب مار و مرگ سهم انسان می گردد. بر ظرفی از سنگ صابون بازمانده از ۲۵۰۰ تا ۲۷۰۰ پ.م که در خفاجه یافت شده، شخصی در میان دو شیر ماده ایستاده است و در هر دست خود ماری را نگه داشته است (تصویر ۳). در سوی دیگر، انسانی بر روی دو گاو نشسته و خط های موج نشانگر آب جاری را در دست گرفته است. به سبب ایستادن انسان مار به دست بر پشت شیر می توان او را خدای بانوی باروری و آبها دانست، زیرا نمونه های بسیاری از ایستادن یا نشستن ایزدبانوان بر پشت شیر در هنر خاورمیانه باستان دیده می شود (طاهری، ۱۳۹۱، ۸۳). بودن گاوها و جریان آب این فرض را نیرو می بخشد. به دلیل همسانی های بسیار فنی و هنری، این ظرف را می توان از آثار جیرفت دانست که به دربار سومر فرستاده شده است. بر روی بسیاری از مهرهای میان رودانی با نقش خدای بانوان و مار روبرو می شویم. نقش این مهرها را در چهار بخش می توان دسته بندی کرد: ۱. انسان مارتن، ۲. انسان مار به دست، ۳. انسان نشسته یا ایستاده بر مار (تصویر ۴).

از کهن ترین نمونه های ایزدبانوان با سر مار، پیکرک های دوره عبید (تصویر ۱) از هزاره پنجم و چهارم پ.م است. در اسطوره های آفرینش میان رودانی، خدایان آغازین با اندامی مارگون پدیدار می شوند. تیمات، اقیانوس آغازین آب های شور و نخستین مادر خدای آفریننده در اساطیر سومری، به سان ماری بزرگ جلوه گر می شود. اسطوره آفرینش بابلی «نومه الیش» اشاره دارد که فرزندان به شکل مار نیز از تیمات زاده می شوند (Thorkild, 1968, 104). لخم و لخمو، نخستین فرزندان تیمات بودند که از آن دو خدایان بعدی زاده شدند. آنان نیز ایزدانی هستند که گاه چون زوجی مارگون وصف می شوند (Jordan, 2002, 180). دیگر خدای مارگون میان رودانی، نین گیش زیدا، فرمانروای دنیای زیرزمین در اساطیر سومری است. تصویر او بر گلدان لاگاش از ۲۱۰۰ پ.م (تصویر ۲)، کهن ترین نمونه دو مار پیچیده دور یک محور به شمار می آید (Price, 1900, 47). نقشی که مار در داستان گیلگمش بازی می کند، نشان از باور مردمان میان رودان به نیروهای افسانه ای این موجود دارد. هنگامی که گیلگمش خسته از راه دشواری که برای یافتن گیاه زندگی



تصویر ۳ - خفاجه.
ماخذ: (Collon, 1995, 69)



تصویر ۲ - لاگاش.
ماخذ: (موزه لوور)



تصویر ۱ - عبید.
ماخذ: (موزه بریتانیا)

سبب یورش بیابان‌گردانی بوده که پس از پیروزی بر یکجانشینان و دست یافتن به سرزمین و پیشرفت‌های آنان، باورها و کیش‌ها و خدایان خود را رایج کرده‌اند؛ این دوران گذار را می‌توان با نشستن یک خدای نرینه به جای یک مادرخدای آغازین در جایگاه ریاست خاندان‌های ایزدی هم‌زمان دانست، برای نمونه جایگزینی مردوک با تیامت در میان‌رودان، هومبان با پی‌نی‌گیر در عیلام، سه مهاده (برهما، ویشنو، شیوا) با پریتیوی ماتار در هند، اورانوس با گایا در یونان و... (طاهری، ۱۳۹۳، ۱۵).

از این رو شاید بتوان پیروزی نهایی مردوک بر تیامت مارگون را با کنار نهادن مادرخدایان و بخشیدن چهره‌ای اهریمنی به مار همبسته دانست. مهری نوآشوری از سده نهم پ.م این رخداد اساطیری را به تصویر کشیده (تصویر ۷).



تصویر ۵- اوروک.
ماخذ: (موزه برلین)



تصویر ۶- بابل.
ماخذ: (موزه لوور)

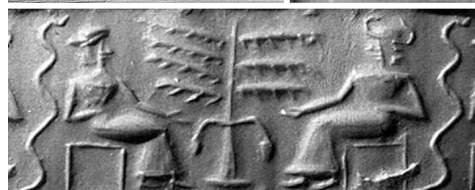
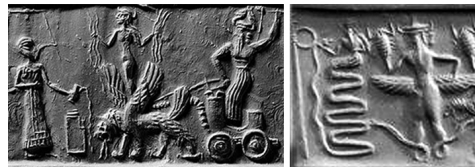


تصویر ۷- آشور نو.
ماخذ: (موزه بریتانیا)

بر روی مهری از تل اسمر بازمانده از ۲۳۰۰ پ.م برخی از خدایان سومری بر روی زورقی به‌سان مار ایستاده‌اند. این مهر شاید نشانگر داستان سیل بزرگ در اساطیر سومری باشد.

مهر دیگری از همین دوران ایزدبانویی را نشان می‌دهد که دو مار را با دستان خود نگاه داشته است. بر یک مهر اکدی دیگر، ایزدبانویی که بر شیر ایستاده، با هر دست خود سه مار را گرفته است. یک مهر اکدی نیز انسان-ماری را در برابر سه خدای دیگر تصویر می‌کند که یکی از آنها بر پشت دو مار ایستاده است. مهر دیگری، دو ایزدبانوی نشستۀ در کنار درخت مقدس را همراه با مار نشان می‌دهد. بر روی یک مهر اکدی، با خدای مارتنی روبرو می‌شویم که کلاه شاخ‌دار بر سر دارد، در برابرش آتشدانی نهاده‌اند، شاخه گیاهی به دست گرفته و پرستندگان روبروی او به نیایش ایستاده‌اند. ستاره هشت پر بالای آتشدان، گیاهی که در دست دارد و درختی که پشت سرش روییده ایزدبانو بودنش را نیرو می‌بخشد. نمونه‌های بسیاری از این‌گونه مهرها از دوره اکدی در دست است. شاید دارنده مهر بر این باور بوده که در پناه چنین نقشی، می‌تواند خود را از خشکسالی دور بدارد (بیانی، ۱۳۷۵، ۷۷).

مامی، ایزدبانوی بابلیان نیز بامارهایی در دست یا تنیده به دور اندامش پدیدار می‌شده است. بر دیوارهای نیایشگاه ایزدبانو اینانا در اوروک از ۱۴۰۰ پ.م، مارهایی در میان خدایان تصویر شده‌اند (تصویر ۵). بر روی دو کودورو که از سده ۱۲ پ.م و دوره پادشاهی کاسیان در بابل باقی مانده نیز، نقش مار دیده می‌شود (تصویر ۶). بر روی یک لوح اوگاریتی از سده ۱۲ پ.م، استارته ایزدبانوی باروری بر روی شیری ایستاده و دو مار را در دستان خود نگاه داشته است. تغییر ساختار مادرمرکز به پدرمرکز در پیش از تاریخ، گاه به



تصویر ۴- مهرهای اکدی.
ماخذ: (Frankfort, 1955, 478)

۲. مار در اندیشه و هنر مصری

از دوران پیش از سلسله‌ها در مصر، تندیس‌های زنانه‌ای با سر مارگون به دست آمده که شاید نشانگر ایزدبانوی مورد پرستش در آن دوران باشند، از جمله نمونه‌ای از نیمه دوم هزاره چهارم پ.م. در تپه معماریه (تصویر ۸).

بر اساس اسطوره‌های کیهان‌آفرینی مصری ابتدای تاریکی اقیانوس بی‌کرانه‌ای از آب ساکن به نام نون وجود داشت. مصریان باستان همیشه از این بابت در هراس بودند که مبادا نون از آسمان به زمین سقوط کند. هنگامی که این زوال خدایان رخ دهد، تنها بازماندگان آن، آتوم و اوزیریس به شکل مار خواهند بود (ویو، ۱۳۸۱، ۸). مصریان در دوره پادشاهی میانه، کادش ایزدبانوی کنعانی را در دین خود پذیرفتند. او همواره ایستاده بر پشت شیر و با مارهایی در دست تصویر می‌شود (تصویر ۹).

در مصر، ایزدبانو رنه نوت به صورت نیمه مار نیمه انسان ظاهر می‌شد (هال، ۱۳۸۰، ۹۸). او ایزدبانوی خوراک و خرمن بود که مصریان برای پربرکت شدن محصول کشاورزی نیایش می‌کردند (Pinch, 2003, 103). رنه نوت را به‌سان زنی با سر مار تصویر می‌کردند. واجت (به‌معنای سبزه‌فام یا به‌رنگ پایروس)، دیگر خدای بانوی مصر باستان بود که به‌سان ماری چنبره‌زده بر روی تاج سرخ مصر

پایین قرار داشت (Erman, 1963, 268). او به عنوان پشتیبان دلتای نیل و سرزمین مصر پایین و نگهبان فرعون، برای دورانی دراز در مصر پرستیده شده است. آنها راه شیری را در آسمان نشانی از واجت می‌دانستند. او در کنار بسیاری از دیگر خدایان مصری چون هوروس و نخت، تصویر شده است. نقش او در کنار نخت، یکی از نامدارترین نمادهای مصری به نام چشم رع یا چشم هوروس را شکل می‌دهد.

یکی از نمادهای واجت اوراوس بود که به عنوان نشانی شاهانه بر تاج یا سیمایه فرعون قرار می‌گرفت (تصویر ۱۰). همنشینی این نماد با کرکس نخت (نماد مصر بالا) نشانه پیوستگی دو بخش مصر است. نهب‌کا در دین مصریان باستان، مار دو سری بود که پس از مرگ از «کا» و «با» (روان مردگان) پاسداری می‌کرد. او گاهی چون ماری دوسر و گاه با بال تصویر می‌شد (تصویر ۱۱).

مرت سه‌گر (به معنای کسی که سکوت را دوست دارد)، دیگر ایزدبانوی مارگون مصری بود (تصویر ۱۲) که از کارگران سازنده مقبره‌ها پشتیبانی می‌کرد (Hart, 2005, 91). دیگر ایزدبانوان مصری چون ایزیس و نفتیس نیز گاهی به‌سان مار تصویر می‌شدند. در دوران پادشاهی نو، داستانی ساخته شد درباره ماری سترگ به نام آپ که در جهان زیرزمین جای دارد. شب‌ها وقتی رع با زورفش خورشید را از افق پایین می‌برد، آپ به جدال با او برمی‌خاست



تصویر ۱۱- نهب‌کا.
ماخذ: (مصر، معبد کوم‌اومبو)



تصویر ۹- کادش.
ماخذ: (موزه لوور)



تصویر ۸- معماریه.
ماخذ: (موزه بروکلین)



تصویر ۱۲- مرت سه‌گر.
ماخذ: (موزه بروکلین)



تصویر ۱۰- واجت.
ماخذ: (موزه متروپولیتن)

این پیوند ایزدبانوی زمین زاده می‌شود (کوپر، ۱۳۷۹، ۳۳۵). ایزدبانوی مار هندی، ماناسا که او را نیز پیش‌آریایی می‌دانند، همانند بسیاری از دیگر خدایان بانوان باستانی، اهداکننده باروری و حاصلخیزی است و با مارهایی در دست نمایان می‌شود (Dow-son, 2003, 196). برادر او واسوکی پادشاه ناگها و مار نابودگر شیوا است (Jones, 2007, 300).

سشا از دیگر ناگاهای نامدار است که تمام کیهان را با سرهای فراوانش به هم پیوسته نگاه داشته و با همه دهان‌هایش ویشنو را نیایش می‌کند (Jones, 2007, 300). او را به‌سان سریری تصویر می‌کنند که ویشنو بر آن در کنار لاکشمی آرمیده است. تبدیل مار به نیرویی اهریمنی، سرانجام در هند نیز رخ می‌دهد. در بهاگواود پورانا آمده ماری سترگ به نام کالیا در رود یمنا زندگی می‌کند که از زهرش هیچ جانور یا گیاهی در امان نیست. کریشنا (ویشنو) با این مار در می‌آویزد (تصویر ۱۶) و او را شکست می‌دهد (Coomaraswamy, 2001, 168). با این وجود هندوان هنوز هم مار را در قالب نگهبان ارزش می‌نهند. تندیس‌های از سده ۱۲ م. بودا را در سایه ماری که بالای سر او چنبره زده در حال مراقبه نشان می‌دهد.

۴. مار در اندیشه و هنر اژه‌ای و یونانی

مرکز زندگی دینی مینوسی در مکان‌های مقدسی چون غارها و بیشه‌ها قرار داشت و خدایان بزرگشان زنانه بودند (جنسن، ۱۳۶۸،



تصویر ۱۴- دره سند.
ماخذ: (موزه ملی دهلی)



تصویر ۱۶- جنگ کریشنا و کالیا.
ماخذ: (Coomaraswamy, 2001, 168)



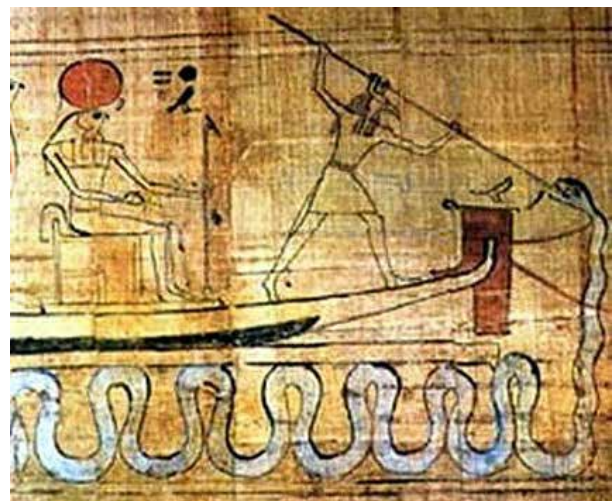
تصویر ۱۵- دو ناگا.
ماخذ: (هند، نیایشگاه هالیبدو)

(تصویر ۱۳). این نبرد تا صبح‌گاه و برآمدن دوباره خورشید ادامه داشت. مصریان در آن زمان، سبب خورشیدگرفتگی را هجوم آپس در روز به قایق رع می‌دانستند (Assmann, 1995, 49). از آنجایی که مار پیش از آن همواره در اندیشه مصری جایگاهی مقدس و برکت‌بخش داشته، بر ساختن این داستان را می‌توان حاصل ارتباط مصریان با اقوام سامی یا آریایی دانست که مار را موجودی اهریمنی می‌پنداشتند.

۳. مار در اندیشه و هنر هندی

ساکنان دراویدی دره سند در هزاره سوم پ.م.، کشاورز بودند و ایزدانی را نیایش می‌کردند که به‌گونه‌ای با باروری و حاصلخیزی پیوند داشتند. آثار یافت‌شده از هاراپا و موهنجودارو نشان می‌دهد که آنان ایزدبانوی مادر را می‌پرستیده‌اند. از این شمار، مهرهایی است نشان‌دهنده رویش گیاه از رحم خدای بانو یا ایزدبانویی عریان که در برابر او انسان قربانی می‌کنند (ایونس، ۱۳۷۳، ۱۴). در برخی از پیکرک‌های یافت‌شده از دره ایندوس، با خدای بانوانی رو به رو می‌شویم که مارهایی پیچیده به دور بدن یا در دستانشان دارند. بر مهری که از هزاره دوم و سوم پ.م. در دره ایندوس به دست آمده، خدا یا پهلوانی دیده می‌شود که دو مار بزرگ را در دستان خود نگه داشته است (تصویر ۱۴).

در میان بقایای سند، مهر خاصی وجود دارد که از سر دو مار ساخته شده و این رمز ویژه کهن‌ترین مردم تاریخی هند، یعنی ناگه‌های مارپرستی است که چون آریایی‌های مهاجم به هند رسیدند، استان‌های شمالی را در تملک آنها یافتند (دورانت، ۱۳۶۵، ۴۵۹). آنها خدای ماری را که به صورت نیمه مار نیمه-انسان ظاهر می‌شود، پرستش می‌نمودند (دورانت، ۱۳۶۵، ۴۵۶). ناگا (زنانه: ناگای یا ناگی)، در سانسکریت برای اشاره به مار و گاه مار کبرا به کار می‌رود (Elgood, 2000, 234). این نام در سراسر تاریخ اساطیری هندوان به چشم می‌خورد. دو ناگای به‌هم پیچیده (تصویر ۱۵)، مظهر آب‌های بارور شده هستند و از



تصویر ۱۳- آپس.
ماخذ: (Assmann, 1995, 49)

داستان‌های بعدی، آسکلپیوس به دست زئوس کشته می‌شود، زیرا برخی از مردگان را زنده کرده است و زئوس از این بابت نگران است. مار با دختر او هوگیا یا ایزدبانوی داروها نیز همراه است (تصویر ۱۸). دیگر خدای یونانی هرمس نیز چوب‌دستی دارد به نام کادوسیوس که دو مار گرد آن پیچیده‌اند. در افسانه یونانی کاداموس، آرس خدای جنگ، مار مقدسی را به نگهبانی از چشمه آب گمارده است. کاداموس با او می‌جنگد و به پادفره این گناه، هشت سال با خدمتکاری برای آرس مجازات می‌شود (Wilkes, 1992, 90).

در اسطوره‌های هراکلس و جیسون به ماری به نام لادون بر می‌خوریم که در باغ هسپریدس نگهبان درخت سیب طلایی است (Kerenyi, 1959, 172). نگهبانی از ویژگی‌های کهن ماران است که در این اسطوره‌ها نیز بدان مشغولند. اما اجبار قهرمان به جدال با مار از کم‌رنگ شدن جایگاه قدسی ماران خبر می‌دهد. در این میان، مدوسا (که نام او نیز معنای نگهبان و محافظ دارد و به باور برخی پژوهشگران از ایزدبانوان کهن یونانی در هزاره دوم پ.م بوده)، شخصیتی کاملاً اهریمنی می‌یابد. بر سر این زن مارها چون گیسوانی رسته‌اند و با نگاهش هر جنبنده‌ای را به سنگ بدل می‌کند (تصویر ۱۹).

پایان داستان این شخصیت اسطوره‌ای زنانه، بریده شدن سرش به دست پهلوان مردی به نام پرسسیوس است. پروفسور گریوز، ریشه این داستان را یورش گروهی از هلنی‌های پدرمرکز به نیایشگاه ایزدبانوی مار می‌داند (Graves, 1955, 17).

۵. مار در اندیشه و هنر ایرانی

در ایران، چنین به نظر می‌رسد که همراه باور کهن به خدای بانوان باروری و فراوانی، پرستش خدای مار هم از هزاره چهارم تا هزاره اول پ.م رایج بوده است (گدار، ۱۳۷۷، ۱۵).

۱.۵. باکون: بر بدن پیکره‌های سفالین ایزدبانوان که از تل باکون الف در آغاز هزاره چهارم پ.م. یافت شده، خطوط موج مارگونی به رنگ سیاه یا قهوه‌ای دیده می‌شود که می‌تواند نمایانگر امواج آب یا نقش مار برای بیان باروری باشد. بر روی ظرف‌های سفالی نیز مارهای پیچان، بسیار تصویر شده‌اند (تصویر ۲۰).

۲.۵. چغامیش: در اثر مهری یافت‌شده از هزاره سوم پ.م. در تپه چغامیش، نقش انسان مار به دستی به چشم می‌خورد که بر روی شیری ایستاده است. مارهای پیچان را بر روی مهر دیگری از این تمدن می‌توان دید. نقش مار بر روی آب‌خوری‌های چغامیش، نشان از همبستگی دیرینه او با خدای بانوان ناظر بر آب‌ها دارد (تصویر ۲۱).

۳.۵. سیلک: بر روی بسیاری از سفالینه‌های دوره دوم سیلک، نقش مارهایی دیده می‌شود که روی نوک دم ایستاده‌اند (گیرشمن، ۱۳۷۹، ۵۶). نقش مار در دوره سوم به دو شیوه نمایش داده می‌شود: یا فقط به شکل خزنده طویلی که تمام طول دهانه ظرف را تزیین کرده است و سر و دم آن به هم رسیده‌اند، یا این که به صورت مجموعه‌ای از مارهای چنبره‌زده

(۷۰). در کرت، مار نمادی بسیار شاخص بود و شواهدی از پرستش مار توسط مردمان کرت در دست است. ایزدبانوی بزرگ پشتیبان خانواده با ماری در دست تصویر شده (تصویر ۱۷) و بعدها مارها، ایزدانی را که جانشین او شدند همراهی می‌کردند (کوپر، ۱۳۷۹، ۳۳۵). پیکره‌های کوچک ایزدبانوی ماری مانند پیکره به دست آمده از کنوسوس، گاه به قدری کوچکند که فقط به عنوان طلسم و بت می‌توانسته‌اند به کار آیند (گاردنر، ۱۳۷۴، ۱۰۷).

در کرت، مار به ندرت یافت می‌شود و آیین پرستش مار باید از سرزمینی دیگر بدانجا راه یافته باشد. شکل مخروطی هیکل خدای بانو، سینه‌های درشت و ابروان کم‌انیش یادآور خویشاوندی این پیکره‌ها با هنر میان‌رودان است (جنسن، ۱۳۶۸، ۷۰).

در هنر میسنی نیز مار نقش برجسته‌ای دارد. بر روی جواهری از ۱۵۰۰ پ.م، ایزدبانویی با سینه برهنه دو مار را چون تاجی بر بالای سر نگاه داشته است. نقش کردن مار پیچان بر روی سفال و ساخت ظروفی به شکل مار چنبره‌زده نیز در هنر میسنی رایج است (تصویر ۱۷). آسکلپیوس در اساطیر یونان خدای پزشکی و درمان است که دور چوب‌دستی او ماری پیچیده (Grimal, 1996, 62). این مار پیچان به دور عصا، امروز به نمادی برای داروخانه‌ها بدل شده. در



تصویر ۱۷- بالا: کرت، پایین: میسن. مآخذ: (موزه آتن و موزه هراکلیون)



تصویر ۱۸- آسکلپیوس و هوگیا یا. مآخذ: (موزه باستان‌شناسی استانبول) تصویر ۱۹- مدوسا. مآخذ: (موزه باستان‌شناسی کورفو)

با گیسوان بلند از هزاره پنجم پ.م است که دو مار بزرگ را در دست دارد. حضور مار بر روی آب‌خوری‌های هزاره چهارم پ.م. شوش، یادآور نقش او در نگهبانی از آب‌هاست. در این دوران، نقش مار بر روی نخستین مهرهای این منطقه نیز دیده می‌شود. بر سفالینه‌ای از ۳۳۰۰ پ.م از شوش در دو سوی درختی، یک ایزدبانو و یک مار ایستاده‌اند.

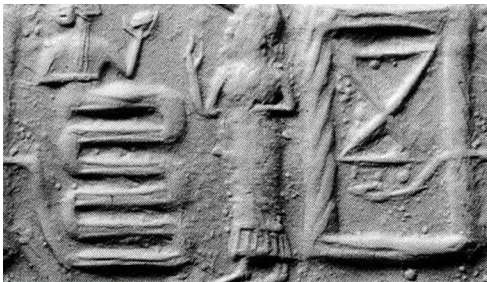
مار بر روی دسته تنگ‌های آب‌خوری شوش II (۳۰۰۰ پ.م) نیز حضور دارد. بر روی سنگ‌نگاره‌ای از پایان هزاره چهارم پ.م، دو نیایشگر برهنه دیده می‌شوند. در میان آنها و بر فراز دستانشان، ماری با دو سر در خود پیچیده است.

نمونه دیگری از ارتباط مار با ایزدبانوان، تندیس سفالین از پایان هزاره سوم پ.م از شوش است. بانویی که ماری پیچیده بر گرد بدن خود دارد و سر مار بر سینه او قرار گرفته است.

خدایان مارتن که نیمه‌مار نیمه‌انسان نمایانده می‌شوند، از نقش‌مایه‌های کهن تمدن عیلام‌اند که همزمان در میان رودان نیز دیده می‌شوند. بر یک نقش مهر از عیلام قدیم، مارخدایی در برابر آتشدانی با آتش زبانه‌کشیده ایستاده. او به نشانه نیروی ایزدی کلاهی شاخ‌دار بر سر دارد و شاخه گیاهی را بر بالای آتش مقدس نگه داشته است. در بالای آتشدان هلال ماه به چشم می‌خورد. مهر دیگری از این دوران، نشانگر پرستش‌گری است که برابر در نیایشگاه روبروی مارخدا ایستاده است (تصویر ۲۳).

در نقش برجسته کورانگون از ۲۱۵۰ پ.م نیز دو شخصیت اصلی تصویر، یک خدایی نشسته بر سریر مار و دیگری خدای بانویی مار به دست‌اند. هر دو آنها تاج شاخ‌دار بر سر دارند. همین خدای نشسته بر سریر مار بر روی نقشی از دوره سوکالماخ (۱۹۰۰ - ۱۶۰۰ پ.م) هم تصویر شده است.

شخصی که در سنگ‌نگاره‌ای از شوش ۱۷۰۰ پ.م بر تخت مار نشسته، باید ایزدبانو باشد. او بر دست‌ان نیایشگری که پیش رویش ایستاده آب می‌افشاند (تصویر ۲۴). گرد سر تندیس خدایی از پایان

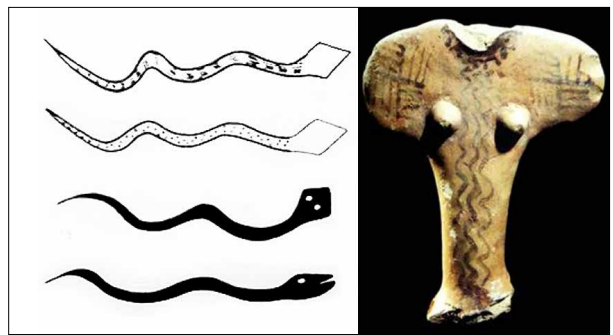


تصویر ۲۳- عیلام کهن.
ماخذ: (موزه لوور)

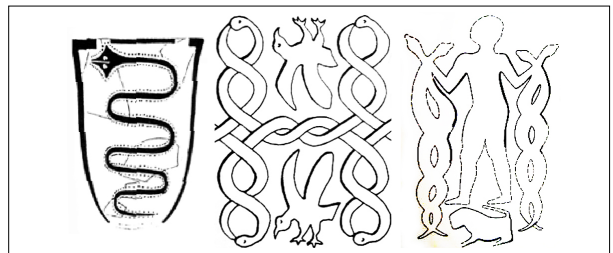
(گیرشمن، ۱۳۷۹، ۵۷). تکرار انگاره مار بر روی ظرف‌هایی که برای نوشیدن به کار می‌روند، اشاره‌ای دیگر به نقش احتمالی مار در قالب نگهبان آب است (تصویر ۲۲).

نقش مار بر کوزه‌های آب، نشانگر همبستگی‌اش با برکت و بارندگی و پاییدن آب است. ما هنوز مار را نگاهبان گنج‌ها می‌دانیم، در ایران کهن نیز مار را حافظ زندگی و آب‌ها می‌دانسته‌اند (بهار، ۱۳۷۷، ۴۶).

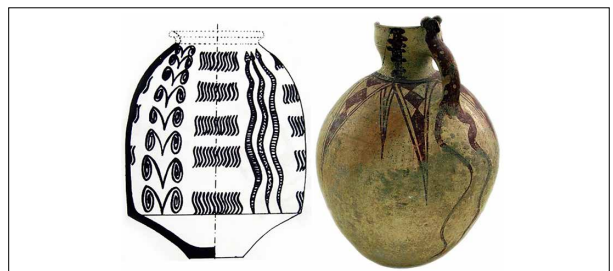
۴، ۵. عیلام: همبستگی پرستش خدای بانوان و تقدس مارها، با بررسی آثار بازمانده از تمدن عیلام استحکام بیشتری می‌یابد. بر سفالینه‌های هزاره سوم و چهارم پ.م. شوش، نقش‌های پیچیده مار بسیار دیده می‌شود. نقش مار روی در کوزه‌ها و سرپوش ظرف‌ها، به نشانه نگهبان پدیدار می‌شود. مار گرد ظرف‌های آیینی می‌پیچد، دسته ابزارهایی چون تیر، عصا و چوگان شاهی را می‌سازد و به صورت مارپیچی ایستاده سریر شاهان و خدایان را تشکیل می‌دهد. از دیگر نقش‌های کهن عیلامی، ماری است که به دور درخت زندگی پیچیده. نماد باروری عیلامی که دو مار در حال جفت‌گیری است، به مصر نیز راه می‌یابد. تصویر مار با سر انسان، نشان‌دهنده جنبه خدایی اوست (هینتز، ۱۳۷۱، ۴۷). از کهن‌ترین نمونه‌های بازنمایی مار در شوش، نقش ایزدبانویی



تصویر ۲۰- تل باکون.
ماخذ: (موزه ملی ایران)



تصویر ۲۱- چغامیش.
ماخذ: (موزه ملی ایران)



تصویر ۲۲- سیلک.
ماخذ: (موزه ملی ایران)

نقش برجسته را دو مار بزرگ پوشانده‌اند (Miroschedji, 1981, 8). در این یادمان از ۱۳۰۰ پ.م دو مار دیگر هم به چشم می‌خورد، یکی از آنها به صورت چنبره زده، تخت خدا را شکل می‌دهد و دیگری در دستان خدا جای دارد.

۵.۵. جیرفت: مار در هنر جیرفت به شمار بسیار و شکل‌های گوناگون دیده می‌شود. با بررسی ظرف‌های سنگ صابونی جیرفت می‌توان مار را مهم‌ترین الگوی هنری این تمدن برشمرد. در اینجا نیز خدای مارتن به بیان ویژه هنرمندان جیرفتی نقش گردیده (تصویر ۲۵). نقشی که بر روی این آثار بسیار اهمیت دارد، نقش «پهلوان ایرانی» است که دو جانور را در دست دارد. پیش از یافته شدن تمدن هلیل‌رود، باستان‌شناسان همواره این نقش را گیلگمش می‌خواندند. از آنجایی که گیلگمش تاریخی، پادشاه اوروک در حدود ۲۴۰۰ پ.م بوده است (دستکم ۳۰۰ سال پس از تمدن جیرفت)، می‌توان با اطمینان این نقش را پهلوان ایرانی خواند و از انگاره‌هایی دانست که از جیرفت به میان‌رودان برده شده است. در این میان بر روی بسیاری از ظروف، پهلوان، مارهایی بزرگ را در دست دارد. نباید از یاد برد جانورانی که در نمونه‌های پرشمار این بن‌مایه در سراسر تاریخ آسیای باختری دیده می‌شوند (چون گاو، شیر، بز کوهی و مار)، از ستوده‌ترین کهن‌الگوها در اندیشه باستانی مردمان این سرزمین‌اند. به نظر می‌رسد پهلوان از این جانوران سینته، نیرو یا توانایی می‌گیرد.

دیگر نقش ترکیبی و چرخشی را، مار و شاهین شکل می‌دهند. با توجه به ارتباط آشکار نقوش و بن‌مایه‌های تمدن هلیل‌رود با هنر سومری و باور بسیاری از باستان‌شناسان به این که جیرفت و پهنه تمدنیش می‌توانند همان آرْت و مَرَهْشی مورد اشاره در نوشتارهای سومری باشند، خوانش متن اسطوره میان‌رودانی اتانا که به زبان بابلی و عیلامی در دست است، می‌تواند کلیدی برای فهم این انگاره باشد. در این داستان به دشمنی میان عقاب و مار اشاره شده. عقاب برخلاف سوگندی که نزد شمش خدای خورشید یاد کرده، بچه مار را می‌بلعد. مار با راهنمایی شمش در لاشه یک گاو نر پنهان می‌شود. هنگامی که عقاب برای خوردن از لاشه به درون آن می‌رود، مار از او انتقام می‌گیرد (Dalley, 2000, 189).

بر روی ظرف‌های جیرفت، نقش دیگری نیز از جدال مار با پلنگ به چشم می‌خورد که نگارنده هنوز سندی برای تفسیر آن به دست نیآورده است. تصاویر دو مار پیچیده در هم را نیز می‌توان نمادی برای باروری دانست. مار در جیرفت نیز به سبب نقش کهنش برای نگهبانی از آب، دور آب‌خوری‌ها و تنگ‌ها حلقه زده است.

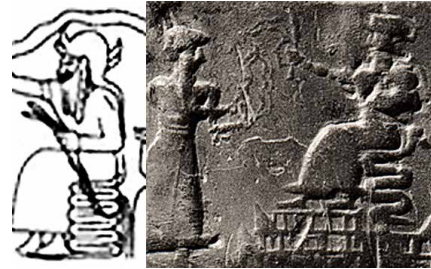
دیگر نشانه همیستگی مار با آب‌ها در اندیشه مردمان جیرفت، نقش خیالبافانه و دل‌انگیزی است از ابرهای آبستن بارانی که به هنگام بارش به سان مارهایی پیچان بر زمین و بر دوش گاو (مظهر و نماینده زمین) می‌ریزند. این نقش را می‌توان سند محکمی برای فهم معنای نمادین مار دانست.

یک نمونه بی‌همتای دیگر، کوزه‌ای است که ایزدبانویی سر از آن بیرون آورده و مار در دو سوی آن به نگهبانی ایستاده. نقش موج‌های آب بر روی کوزه معنای کهن‌الگویی این ترکیب را نیرویی افزون می‌بخشد.

دوره سوکالماخ در شوش که بر ابراه نشسته، ماری چنبره زده است. اثر مهری از عیلام میانه، ایزدانی را تصویر می‌کند که مار در دست دارند یا دستانشان به شکلی مارگون کشیده شده است. یکی از آنان مار (یا دستان مارگونه‌اش) را بر فراز نیایشگاهی (شاید برای پاسداری آن از نیروهای اهریمنی) گسترده است.

از دوره اونتاش‌گال (۱۲۵۰ پ.م)، تندیس خدایی به دست آمده که دو مار در دست دارد و ماری نیز به گرد سرش حلقه زده است. نقش برجسته دیگری انسانی را نشان می‌دهد که سه مار بر بالای سرش به نگهبانی ایستاده‌اند. مار را به سان دسته عصا یا شمشیر نیز در عیلام می‌توان دید.

بر روی مهرهای عیلام میانه هم مار بسیار دیده می‌شود. گاه به سان ایزدی که مارها از شانهاش سر زده‌اند، گاه چون ایزدی سوار بر پشت مار و گاه به همان شکل رایج ایزد مارتن. نقش اصلی سنگ یادمان اونتاش‌ناپیریشا نیز مار است. دورادور



تصویر ۲۴- عیلام کهن. ماخذ: (راست: موزه لوور، چپ: طراحی از کتیبه کورانگون)



تصویر ۲۵- جیرفت. ماخذ: (موزه ملی ایران)

به کار می‌رفته‌اند نیز مار حضور دارد. همچنین مارهای حلقه‌زده را می‌توان در کف ظرف‌های مفرغین این تپه دید. از باورهای کهن درباره مار، نگهبانیش از گنج‌هاست. نقش ماری چنبره‌زده بر روی یک گوهردان شهداد شاید با همین اندیشه تراشیده شده باشد.

۷.۵. لرستان: در میان آثاری که از لرستان هزاره دوم و اول پ.م یافت گردیده، سنجاق‌سرهایی با نقش رام‌کننده یا پهلوان به چشم می‌خورد که به هر دست ماری را نگه داشته است. این انسان یا ایزد با تاج شاخ‌دار را بر نقش مهرهای این منطقه نیز می‌توان باز یافت. مار بر روی تبرهای مفرغی لرستان و در دست ایزدبانویی بر سنجاقی از ۱۲۰۰ پ.م هم دیده می‌شود (تصویر ۲۸).

۶. مار در ادیان تاریخی آریاییان و سامیان

در اندیشه و اساطیر دینی سامیان، مار جانوری نکوهیده است که به یاری شیطان بر می‌خیزد تا آدم و حوا را در بهشت به سرپیچی از فرمان خداوند اغوا نماید و خدا بدین گناه او را نفرین می‌کند: «پس خداوند خدا به مار گفت: چون که این کار کردی، از جمیع بهایم و از همه حیوانات صحرا ملعون تر هستی. بر شکمت راه خواهی رفت و تمام ایام عمرت خاک خواهی خورد، و عداوت در میان تو و زن و در میان ذریت تو و ذریت وی می‌گذارم. او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی کوبید» (پیدایش، باب سوم، ۱۴ و ۱۵).

ادیان آریایی نیز مار را اهریمنی می‌خوانند. در یشت‌ها اژی (مار) چنین توصیف می‌شود: «آن دیو بسیار زورمند دروج، آن دروند آسیب‌رسان جهان، آن زورمندترین دروجی که اهریمن برای تباه کردن جهان اشته به پتیارگی در جهان استومند بیافرید» (یسنا، هات ۹، بند ۸).

اژی دهاکه (ضحاک) در شاهنامه نیز برگرفته از همین موجود پلید است و مار بر شانه دارد.

بر پایه متون مقدس زرتشتی از جمله شرط‌های پذیرش توبه و طلب آمرزش برای گناهان بزرگ، کشتن مار است. این جاندار اهریمنی در ریگ‌ودا، اهی نامیده شده که در کوه مسکن دارد و دیوان یاریش می‌کنند. او با هزاران پیچ‌وتاب بر فراز کوه راه ابرهای باران‌زا را می‌بندد و عامل خشکسالی است. ایندیره نیرومند با این مار نبرد کرده او را می‌کشد.



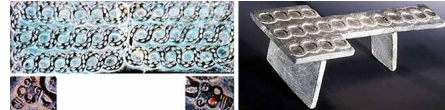
تصویر ۲۸- لرستان.
ماخذ: (موزه ملی ایران)

آثار ارزشمند دیگری که از تمدن هلیل‌رود به‌جا مانده، تخته‌های بازی ظریفی است که خانه‌هایشان با چرخش مارهایی که دم خود را به دهان گرفته‌اند شکل می‌گیرد. با توجه به ارتباط مار با جاودانگی در اندیشه مردمان خاور باستان، انگاره ماری که دم خود را به دهان گرفته، غالباً اشاره‌ای است به زمان بی‌کرانه و ذات چرخشی و دوره‌ای زندگی، از این رونقش آن بر روی یک بازی وابسته به بخت و احتمال می‌تواند نمادی باشد از بی‌پایانی چرخه زندگی و بازی زمانه.

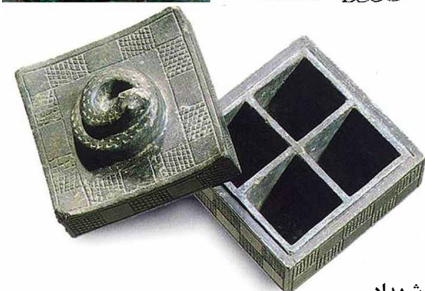
یک تخته بازی همسان از همین دوره در شهر سوخته یافت شده که با چوب آبنوس ساخته شده است (تصویر ۲۶). این آثار که حدود دو سده پیش از تخته بازی اور III و سه سده پیش از تخته بازی مصری یافته‌شده، از گور آمنه‌وتپ سوم ساخته شده‌اند را می‌توان کهن‌ترین نمونه‌های تخته بازی در جهان دانست.

۶.۵. شهداد: مهم‌ترین اثر یافته‌شده در شهداد از نیمه هزاره سوم پ.م را می‌توان پرچمی مفرغین دانست که کهن‌ترین پرچم جهان نامیده شده است. نقش اصلی آن، ایزدبانویی نشسته بر سریر است که چهار نیایشگر گردش حلقه زده‌اند. چهار زوج از مارهای درهم تنیده در بالا و پایین این تصویر دیده می‌شوند که دیگر بار به وابستگی مارها و ایزدبانوان در اندیشه مردمان کهن این سرزمین اشاره دارد (تصویر ۲۷).

روی سفالینه‌های بزرگ شهداد که برای نگهداری آب یا غلات



تصویر ۲۶- بالا: جیرفت، پایین: شهر سوخته.
ماخذ: (موزه ملی ایران)



تصویر ۲۷- شهداد.
ماخذ: (موزه ملی ایران)

نتیجه

در دستان خود نگه داشته. برای اثبات این اندیشه، نقش انسان ماریه‌دست در میان آثار دیگر تمدن‌های باستانی نظیر میان‌رودان، مصر، هند و یونان با پذیرش تأثیرات بین‌تمدنی در آن دوران مورد بررسی قرار گرفت. وجود بن‌مایه‌های همسان و بررسی باورهای رایج در این تمدن‌های باستانی ما را به سوی این دیدگاه رهنمون ساخت که مارها در هنگامه پرستش خدای بانوان باروری و پیش از رواج ادیان مردم‌مرکز آریایی و سامی، از تقدس فراوانی برخوردار بوده‌اند، اما این احترام و تقدس با تنزل مقام ایزدبانوان و رواج پرستش خدای نرینه، به جایگاهی شیطانی و همبسته با نیروهای پلید اهریمنی بدل می‌شود.

مار در اندیشه و ادیان مردمان خاور باستان، بارها چهره‌های مقدس می‌یابد یا در کنار ایزدان و ایزدبانوان قرار می‌گیرد از جمله در میان‌رودان با نام: تیامت، لخمو و لخممو، نین‌گیش‌زیدا، مامی و استارتته؛ در مصر با نام آتوم، اوزیریس، کادش، رنه نوتت، واجت، نهب‌کا و مرت سه‌گر؛ و در هند با نام ناگا، ماناسا، واسوکی و سشا. بیشتر فرهنگ‌های باستانی مار را جاوید یا درمان‌گر می‌دانند. پژوهش بر روی آثار یافت‌شده از تپه‌های باستانی ایران که نقش انسان مار به‌دست دارند، این فرض را مطرح می‌کند که شاید او خدا یا خدای بانویی است که مارهایی را به نشانه جاودانگی یا باروری

فهرست منابع

- Press, New York.
- Dowson, John (2003), *Classical Dictionary of Hindu Mythology and Religion, Geography, History*, Kessinger Publishing, Montana.
- Elgood, Heather (2000), *Hinduism and the Religious Arts*, Cassell, London.
- Erman, Adolf, Hermann Grapow (1963), *Wörterbuch der ägyptischen Sprache*, Akademie-Verlag, Berlin.
- Frankfort, Henri (1955), *Stratified Cylinder Seals from the Diyala Region*, Oriental Institute Publications 72, University of Chicago Press, Chicago.
- Graves, Robert (1955), *The Greek Myths*, Penguin Books, London.
- Grimal, Pierre (1996), *The Dictionary of Classical Mythology*, Wiley-Blackwell, New Jersey.
- Hart, George (2005), *Dictionary of Egyptian gods and goddesses*, Routledge, London.
- Jones, Constance (2007), *Encyclopedia of Hinduism*, Info-base Publishing, New York.
- Jordan, Michael (2002), *Encyclopedia of Gods*, Kyle Cathie Limited, London.
- Kerenyi, Karl (1959), *The Heroes of the Greeks*, Thames & Hudson, London.
- Miroschedji, P (1981), Le dieu élamite au serpent et aux eaux jaillissantes, *Iranica Antiqua*, No 16, pp. 2-28.
- Pinch, Geraldine (2003), *Egyptian mythology, a guide to the gods, goddesses, and traditions of ancient Egypt*, Oxford University Press, New York.
- Potts D. T (1999), *The Archaeology of Elam, Formation and Transformation of an Ancient Iranian State*, Cambridge World Archaeology, Cambridge University Press.
- Price, Ira Maurice (1900), Notes on the Pantheon of the Gudean Cylinders, *The American Journal of Semitic Languages and Literatures*, Vol. 17, No. 1, pp. 47-53.
- Thorkild, Jacobsen (1968), The Battle between Marduk and Tiamat, *Journal of the American Oriental Society*, No 88, pp. 104-108.
- Wilkes, J.J (1992), *The Illyrians*, Blackwell Publishing, New Jersey.
- ایونس، ورونیکا (۱۳۷۳)، *اساطیر هند*، مترجم باجلان فرخی، نشر گلشن، تهران.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۷)، *از اسطوره تا تاریخ*، چشمه، تهران.
- بیانی، م (۱۳۷۵)، *تاریخ مهر در ایران*، یزدان، تهران.
- پورداود، ابراهیم (۱۳۵۶)، *یشت‌ها*، ج ۱ و ۲، دانشگاه تهران، تهران.
- جنسن، ه. و. (۱۳۶۸)، *تاریخ هنر*، ترجمه پرویز مرزبان، انتشارات کتیبه، تهران.
- هال، جیمز (۱۳۸۰)، *فرهنگ نگاره‌ای نمادها*، مترجم رقیه بهزادی، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران.
- دورانت، ویل (۱۳۶۵)، *تاریخ تمدن*، مترجم احمد آرام و دیگران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
- طاهری، صدرالدین (۱۳۹۱)، *کهن‌الگوی شیر در ایران*، میان‌رودان و مصر باستان، *نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی*، شماره ۴۹، صص ۸۳ - ۹۳.
- طاهری، صدرالدین (۱۳۹۳)، *ایزدبانوان در فرهنگ و اساطیر ایران و جهان*، روشنگران و مطالعات زنان، تهران.
- کتاب مقدس (۲۰۰۲)، انتشارات ایلام، چاپ سوم.
- کوپر، جی. سی (۱۳۷۹)، *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*، مترجم ملیحه کرباسیان، نشر فرشاد، تهران.
- گاردنر، هلن (۱۳۷۴)، *هنر در گذر زمان*، ترجمه محمد تقی فرامرزی، انتشارات نگاه، تهران.
- گدار، آندره (۱۳۷۷)، *هنر ایران*، مترجم بهروز حبیبی، انتشارات شهید بهشتی، تهران.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۹)، *سیلک کاشان*، ترجمه اصغر کریمی، سازمان میراث فرهنگی کشور، جلد اول، تهران.
- ویو، ژ. (۱۳۸۱)، *اساطیر مصر*، مترجم ابوالقاسم اسماعیل پور، انتشارات کاروان، تهران.
- هینتز، والتر (۱۳۷۱)، *دنیای گمشده عیلام*، مترجم فیروز فیروزنیا، نشر علمی و فرهنگی، تهران.
- Assmann, J (1995), *Egyptian Solar Religion in the New Kingdom*, Routledge, London.
- Collon, Dominique (1995), *Ancient Near Eastern Art*, University of California Press, California.
- Coomaraswamy, Ananda K (2001), *Myths and Legends of the Hindus and Buddhists*, Advaita Ashrama, Kolkata.
- Dalley, Stephanie, ed (2000), *Myths from Mesopotamia. Creation, The Flood, Gilgamesh, and Others*, Oxford University

The Inversion of a Symbol Concept (A Survey on Serpent as a Prototype in Iran and Neighboring Civilizations)

Sadreddin Taheri*

Assistant Professor, Department of Archaeology, Isfahan University of Art, Isfahan, Iran.

(Received 13 Jan 2015, Accepted 21 Jun 2015)

This article has tried to look at the prototype of serpent, in the art of ancient Iran and neighboring civilization (Mesopotamia, Egypt, India & Greece), since the beginning of these cultures to the first millennium B.C, by researching their myths and beliefs, and also looking at the motifs of their artifacts, by mean of shine a flash on relationship between these cultures, and perusing the inversion of symbols. The serpent or snake is one of the oldest and most widespread mythological symbols. Historically, they represent divine powers like fertility or creativity of life force, especially in the ancient east. As snakes shed their skin through sloughing, they are symbols of rebirth, transformation, immortality, and healing. Serpents also has represented as potent guardians of temples and other sacred spaces. They are connected with remedy and medicine. The serpent, when forming a ring with its tail in its mouth, is a clear symbol of the totality of existence, infinity and the cyclic nature of the cosmos. The Sumerian fertility deity, Ningizzida, is the oldest known image of two snakes coiling around an axial rod. Ningizzida was a god of healing and magic. In ancient Egypt Nehebkau was the two headed serpent deity who guarded the entrance to the underworld. He is the son of the snake goddess Renenutet. Wadjet, the Egyptian cobra, was the patron and protector of the country, all other deities, and the pharaohs. In Hindu mythology, Lord Vishnu sleeps while floating on the cosmic waters on the serpent Shesha. Naga is the Sanskrit word for a deity or class of entity or being. The Minoan Snake Goddess brandished a serpent in either hand, perhaps evoking her role as source of wisdom. The rod of Asclepius, a snake-entwined staff, remains a symbol of medicine today. Snakes are also sacred and powerful in prehistoric cultures of Iran. It seems that

they have worshiped along with the fertility goddesses, from fourth to first millennium B.C. We can detect their presence as mighty patrons and source of life and immortality in the art of Tal-e Bakun, Chogamish, Sialk, Jiroft, Shahr-e Sukhteh, Shahdad, Elamite art, Luristan art, etc. However, it seems that symbolic concept of serpent has reversed in these cultures over time. In some Abrahamic traditions, the serpent represents sexual desire. In the Hebrew Bible, the serpent in the Garden of Eden lured Eve with the promise of forbidden knowledge. Aryan religions call the serpents diabolic too. Azhi Dahake (Zahhak) in the Shahnameh is an infernal creature with two snakes on his shoulders. In the Assyrian traditions, a mighty male god named Marduk overcomes the snakelike goddess Tiamat. In the new kingdom, Egyptians built a story about Apep, the monstrous serpent who lives at the underworld, and Ra has to fight with him every night until dawn. In historic Greece, Medusa and the other Gorgons were vicious female monsters with sharp fangs and hair of living. I believe that this replacement is due to the conversion of matriarchy into patriarchy, in these cultures.

Keywords

Serpent, Naga, Azhi, Wadjet, Medusa.

*Tel: (+98-913)2221162, Fax: (+98-321)2223442, E-mail: sadreddin_tahery@yahoo.com.